

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۷

هزار و سیصد و نود و هشت - بهار

۷	• نقدی پست‌مدرنیستی بر پوزیتیویسم حقوقی در حقوق بین‌الملل دکتر علیرضا باقری ابیانه - دکتر مجتبی انصاریان
۲۷	• تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت: از معمای تعمیم قواعد عام تفسیر تا تخصیص تفسیر یاسر سالاریان - مهدی خلیلی طریقه
۵۵	• استثنائات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار دکتر محمد مظهری - فرزاد جنگجوی (خراطا) - اکبر لطفی عزیز
۷۹	• تعهدات خاص خدمات مخابرات در سازمان جهانی تجارت زهرا مشرف جوادی
۱۰۷	• بررسی الزام مستدل بودن آرای داوری در رسیدگی به اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی سپهر حسن‌خان‌پور - امیرحسین حقیقی
۱۲۷	• رویکرد کیفی قانون مالیات‌های مستقیم با تأکید بر قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم ۱۳۹۴/۰۴/۳۱
۱۶۷	• سیاست‌های نوین تقنینی مبارزه با قاچاق کالا در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ دکتر ابوالحسن شاکری - عاطفه شیخ اسلامی
۱۸۹	• تأثیر شخصیت در قراردادهای مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس با تأکید بر رویه قضایی فاطمه نوروزی - دکتر مهدی عاشوری - دکتر دلاور برادران
۲۱۵	• جایگاه وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دکتر سید ابراهیم قدسی - میثم غلامی - امین ملکی
۲۳۹	• اصل حاکمیت اراده و بروز آن در قواعد حل تعارض در نظام حقوقی ایران و چین وحید یگانه - روح‌الامین حجتی کرمانی
۲۶۱	• قراردادهای هوشمند: توافقات حقوقی در پرتو بلاک‌چین نگارنده: رچی او شیلدرز، ترجمه: مهدی ناصر - دکتر حسین صادقی





تحلیلی بر استثنائات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار

دکتر محمد مظهري *

فرزاد جنگجوی (خراطا) ** - اکبر لطفی عزیز ***

چکیده:

میل به آزادی و آزادگی خواسته فطرت انسان‌هاست و طبع آدمی هیچ‌گونه اجباری را تأیید نمی‌کند. درزمینه کار نیز هر عملی که افراد در آن ذی‌نفع نباشند و یا به آنها تحمیل شود را بر نمی‌تابند. کار اجباری یک نقض مهم اما بسیار رایج حقوق بشر از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. کار اجباری پدیده جهانی است که در آن میلیون‌ها نفر به شکل بردگی مدرن زندگی می‌کنند و امروزه از نمونه‌های ملموس آن می‌توان به ساخت ورزشگاه‌های موردنیاز کشور قطر برای جام جهانی فوتبال آتی توسط هزاران کارگر خارجی در آن کشور نام برد. کار اجباری مقوله‌ای است که قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی عدیده‌ای در دهه‌های اخیر بر ممنوعیت آن صحنه گذاشته‌اند. مع‌ذلک مواردی چون خدمت وظیفه عمومی، تعهدات مدنی، کار اجباری به‌عنوان محکومیت در دادگاه صالح، موارد اضطراری و خدمات عمومی جزئی، وجود دارند که بنا به دلایل منطقی و متقن از مصادیق کار اجباری مستثنا شده‌اند؛ این بدان معناست که کار اجباری در این موارد کاملاً واجب و لازم بوده و مسئله‌ای منطبق با قوانین و مقررات حقوق بشری می‌باشد و معمولاً امروزه در قوانین اکثر کشورها مراعات می‌شوند. مطالعه حاضر استثنائات منع کار اجباری را در قوانین موضوعه

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۸
صفحه ۵۵-۷۷، تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۱/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۲

* دکترای حقوق عمومی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، نویسنده مسئول
Email: M.mazari@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز
Email: F.jangjooi@tabrizu.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز
Email: A.loftiaziz@yahoo.com

ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۳۰ مورد بررسی و تطبیق قرار داده است.

کلیدواژه‌ها:

قانون کار، آزادی کار، کار اجباری، منع کار اجباری.

مقدمه

فطری بودن آزادی انسان، آزادی کار را نیز شامل می‌شود. بدین معنا که افراد وقتی احساس آرامش می‌کنند که بر اساس توانایی‌ها و علایق طبیعی خود به کار و کوشش بپردازند؛ بنابراین هیچ‌گونه جبر و تحمیلی بر افراد برای انجام کاری معین روا نیست. مایه تأسف و بسیار تعجب‌برانگیز است که بردگی و رویه‌های مشابه آن هنوز در قرن بیست و یکم و در قری که بشر کُرأت دیگر را تحت سیطره خود قرار داده و به مراتب بالای علم و فناوری دست یافته و حقوقی با عنوان حقوق نسل سوم مطرح است، برای حقوق بین‌المللی بشر حائز اهمیت است. دلیل این وضعیت چیزی جز طبع زیاده‌خواه آدمی نیست. چیزی که در نهاد آدمیان وجود دارد و در صورت عدم کنترل محدوده حقوقی و طبیعی و قانونی دیگران را مورد تهاجم قرار می‌دهد و هیاهات از روزی که این میل در طبع زمامداران جامعه‌ای فوران کند که پیامد آن قطع به یقین چیزی جز پایمال شدن حقوق طبیعی و حقه افراد نخواهد بود. شاید بتوان گفته لرد آکتن: «قدرت فاسد می‌کند و قدرت مطلقاً فاسد می‌کند.» را درباره کار اجباری نیز قابل تسری دانست.

آزادی کار و منع اجبار افراد به کاری معین جزو اصول اولیه حقوق اجتماعی افراد است، لذا محق بودن افراد برای شناخت حقوق اولیه خود امری اجتناب‌ناپذیر است. هرگونه حمله به کرامت و ارزش انبای بشر در منشور سازمان ملل متحد و دیگر اسناد حقوق بشری منع گردیده است. باین‌همه، بسیاری از اشکال معاصر کار اجباری همانند اجبار به خدمت در برابر دین، کار اجباری کودکان و قاچاق زنان و کودکان وجود دارد که مشابه بردگی هستند و توسط جامعه بین‌المللی نیز محکوم شده‌اند؛ اما باین‌وجود در برخی از موارد، شرایط و اقتضائات حکم می‌کند که افراد برخلاف حق انتخاب آزادانه شغل و کار که از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشری محسوب شده و در غالب حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در اسناد گوناگون مورد توجه قرار گرفته است، اجباراً به کار گمارده شوند. مصادیق استثنائات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی

کار^۱ کدامند؟ با توجه به نتایج حاصله از تحقیق چه پیشنهادهایی برای رفع کاستی‌های استثنائات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار می‌توان مطرح کرد؟ در این راستا مطالعه حاضر برای درک بهتر موضوع ابتدا کار اجباری و در ادامه استثنائات آن را در قوانین موضوعه ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار مورد بررسی قرار داده است.

۱- کار اجباری^۲

همان‌طور که از عنوان کار اجباری نیز برمی‌آید، هرگونه کاری که برخلاف میل افراد بر آنها تحمیل شود، کار اجباری محسوب می‌گردد. در کمیسیون‌ها و اسناد بین‌المللی متعددی به مقوله آزادی کار و ممنوعیت کار اجباری پرداخته شده است؛ اما تعاریفی که ارائه شده است، همگی مبتنی بر مقاله‌نامه شماره ۲۹ بوده و از ارائه تعریف جدید امتناع نموده‌اند. تنها در پیش‌نویس‌ها و مباحث به ذکر برخی از خصوصیات و ویژگی‌های کار اجباری پرداخته‌اند.

اولین تعریفی که از کار اجباری ارائه گردیده است، مربوط به مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار می‌باشد که در بند ۱ ماده ۲ آن مقرر گردیده است: «در مقاله‌نامه حاضر اصطلاح کار قهری یا اجباری به کار یا خدماتی اطلاق می‌شود که با تهدید مجازات و بی‌آنکه شخص ذی‌نفع به میل و رضای خاطر برای انجام آن داوطلب باشد به وی تحمیل گردد.»^۳ بنابراین پرداخت دستمزد نمی‌تواند جنبه اجباری بودن را سلب نماید، یعنی اگر کسی را اجبار به انجام کاری نمایند و به وی دستمزد کلانی هم پرداخت کنند، باز هم این عمل از نظر حقوقی کار اجباری است.^۴ اما تعریف مقاله‌نامه شماره ۲۹ دربردارنده سه عنصر کار و یا خدمات، تهدید به هر مجازات و پیشنهاد داوطلبانه بسیار مهم بوده که به شرح ذیل می‌باشد: در تعریف کار اجباری منظور از کار، واضح است. حال باید دید که منظور از خدمات چه امور و

۱. این مقاله‌نامه در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۳۰ در ژنو به تصویب اعضای سازمان بین‌المللی کار رسید. به این مقاله‌نامه چندین نوبت الحاقیه‌هایی اضافه گردید که آخرین آن به تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۱۴ در طی صد و سومین نشست سازمان بین‌المللی کار بوده است.

2. Forced Labour.

۳. محمدرضا سپهری و همکاران، *مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار* (تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳)، چاپ اول، ۷.

۴. شیرین عبادی، *تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران* (تهران: روشنگران، ۱۳۷۳)، چاپ اول، ۳۷.

مواردی می‌باشد.^۵ منظور کمیته تهیه پیش‌نویس مقاله‌نامه مزبور از خدمات در این سند آموزش بوده است که به‌عنوان مثال می‌توان به آموزش فنون، حرف و مهارت‌ها اشاره داشت. لذا مطابق این تعریف، اجبار افراد برای تعلیم دانسته‌های خود به دیگران از مصادیق کار اجباری محسوب می‌گردد. البته باید در نظر داشت که آموزش‌های حرفه‌ای معمولاً مستلزم مقدار مشخصی از کار عملی است که با این اوصاف گاهی تمییز آموزش و اشتغال دشوار می‌گردد.^۶

به نظر می‌رسد، دو واژه کار و خدمات مترادف هم هستند و اختلاف خاصی در این دو واژه نیست. همانند دو واژه رجم و سنگسار در ادبیات حقوقی کشورمان، باینکه هر دو به یک معنای واحد می‌باشند؛ ولی به علت کثرت تلفظ در بسیاری موارد و بدون ضرورت توسط علمای حقوق یا اصول به کار برده می‌شوند. همچنین از طرف دیگر، محتمل است که هدف تدوین‌کنندگان از واژه کار، عملی باشد که توسط افراد حقیقی از دیگران کشیده می‌شود و درمقابل منظور از واژه خدمات، بیگاری‌ها و اموری است که توسط دولت یا مؤسسات عمومی، اعم از دولتی و غیردولتی، به برخی افراد واگذار یا الزام می‌گردد. به‌هرروی با توجه به مبهم بودن این دو واژه احتمال تفاسیر مختلف از آن طبیعی می‌باشد.

پیش‌نویس اولیه کنوانسیون مشخص نموده است که منظور از تهدید به مجازات، تحریم‌های کیفری است که از مصادیق آن می‌توان به تهدید به حبس و یا تنبیه بدنی اشاره نمود؛ اما ممکن است، تهدید به از دست دادن برخی از امتیازات نیز زیرمجموعه تهدید به مجازات قرار گیرد. برای مثال به کارگران پیشنهاد انجام کاری شود و برای آنان مقرر گردد که در صورت عدم انجام کار محوله از برخی حقوق و امتیازات محروم خواهند شد؛ امتیازاتی مانند ارتقای شغل، انتقال، دسترسی به اشتغال جدید، محرومیت از برخی از کالاهای مصرفی و مسکن و جریمه مالی.^۷

۵. در سالیان اخیر و با استفاده از نارسایی و مبهم بودن قانون کار (تبصره ۲ ماده ۷) برخی از کارفرمایان اقدام به امضای قراردادهایی موسوم به «قراردادهای سفیدامضاء» می‌نمایند که کارگران ملزم به قبول این‌گونه قراردادها می‌باشند. درواقع این وضعیت نمونه عینی کار اجباری می‌باشد. گفتنی است که وزارت تعاون، رفاه، کار و رفاه اجتماعی اقدام به صدور بخشنامه‌ای در این باره نموده است که امید است مثمر‌الثرم واقع شده و از تضییع حقوق کارگران جلوگیری نماید.

۶. Report (III) International Labour, "Eradication of Forced Labour," (International Labour Office Geneva, 2007), 20.

۷. Ibid, 20.

با توجه به اینکه آزادی عمل و تصمیم‌گیری افراد درباره خود امری بدیهی است، لذا کنوانسیون، کاری که فردی به انجام آن داوطلب شده باشد را هرچند که جزو کارهای اجباری محسوب شود کار اجباری نمی‌داند؛ اما برای جلوگیری از اجحاف در حق کارگر، سازمان بین‌المللی کار حداقل‌هایی را برای انجام کار توسط کارگر، در نظر داشته است که افول از این حداقل‌ها ولو با رضایت کتبی یا شفاهی کارگر غیرقانونی می‌باشد. به‌عنوان مثال کارگر خود را متعهد کند که کارهایی که جزو مشاغل زیان‌آور است را بدون تجهیزات ایمنی و بهداشتی انجام دهد و در صورت بروز حادثه، کارفرما مسئول نباشد. همچنین است قرارداد کار کودکان که این قرارداد غیرقانونی بوده و ضمن کیفر کارفرما، اجرت‌المثل کار مربوطه برای کارگر کودک در نظر گرفته می‌شود.^۸

نتیجه اینکه اگر فردی بالغ، داوطلب به امری شده (در صورتی که کاری که برای آن داوطلب می‌شود، مقررات ایلو^۹ و حداقل‌های کار را مراعات نماید) جزو کار اجباری محسوب نمی‌شود؛ اما درباره افراد خردسال اگر داوطلب به کاری شده باشند، چه‌اینکه قانونی باشد یا نباشد، در هر صورت از ادامه کاری که برعهده گرفته‌اند، باز داشته خواهند شد. دلیل غیرقانونی بودن کار کودکان را می‌توان، اهمیت حفظ سلامت جسمی و روحی کودکان قلمداد نمود؛ زیرا از طرفی این قشر به‌طور کامل مصلحت امور مربوط به خود را نمی‌دانند و از طرف دیگر به دلیل عدم آشنایی با حقوق اولیه کارگران احتمال این وجود دارد که به بیگاری گرفته شوند.^{۱۰} همچنین چنانچه کارفرما با توسل به تأخیر در پرداخت مطالبات کارگر نیز بخواهد او را به کار وادارد می‌توان مدعی شد که عامل رضایت از بین رفته است.^{۱۱}

بجز قانون کار، در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران تعریفی از کار اجباری ارائه نشده است. دو ماده‌ای که به مبحث کار اجباری پرداخته‌اند، عبارتند از مواد ۲ و ۱۷۲ قانون کار. ماده ۲ قانون کار در رابطه با منع کار اجباری مقرر می‌دارد: «بر اساس بند چهار اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم و اصل نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگران ممنوع و مردم ایران از

۸. Ibid, 21.

۹. مخفف عبارت International Labour Organization: سازمان بین‌المللی کار.

۱۰. عزت‌الله عراقی، حقوق بین‌المللی کار (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)، چاپ اول، ۳۹۳.

۱۱. ILO. *Combating Forced Labour, a Handbook for Employers and Business, Special Action Programme to Combat Forced Labour* (Geneva: Child Labour, 2008), no 3. (Guiding Principles for Information System on International Labour Standard, International Labour Organization, Last Accessed 2013/05/15, www.ILO.com).

هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این ماده که خلاصه‌ای از چند اصل قانون اساسی در رابطه با موضوع کار اجباری هستند گنجانده شده و هیچ‌گونه تعریفی از کار اجباری صورت نگرفته است. گفتنی است که این ماده جزو فصل اول (تعاریف کلی) می‌باشد. این امر نشان‌دهنده این است که قانونگذار موضوع کار اجباری را از اصول قانون کار دانسته و با اشاره به این مورد در مواد اولیه، اهمیت موضوع را نشان داده است؛ و این ماده را می‌توان نقطه قوتی درباره کار اجباری در قانون کار دانست. البته جا دارد که قانونگذار به تعریف جامعی از کار اجباری پردازد و مصادیق آن را به‌وضوح بیان نموده و در تعریف کار اجباری طوری عمل نماید که همه کسانی که مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند را مورد حمایت قرار دهد. چراکه همه موجودات جهان میل بر آزاد بودن دارند و انسان نیز به‌طریق اولی از آن جهت که موجودی دارای شعور، درک، قوه تفکر و تعقل است، بی‌شک از این قاعده مستثنا نیست و از همان روزهای اولیه زندگی در برابر اموری که آزادی او را محدود می‌کنند، واکنش نشان می‌دهد. در مقابل این حس آزاد و رها بودن در برخی میل به دست‌درازی به محدوده حقوق دیگران را به دنبال دارد که امر ناپسندی می‌باشد. در همه زمان‌ها و مکان‌ها کار بخش قابل‌توجهی از زندگی آدمی بوده و می‌باشد؛ و بشر با سعی، تلاش و کار آمیخته و عجین شده است به‌گونه‌ای که انسان بیکار جایگاهی در جامعه ندارد و زندگی بدون کار عرفاً و عقلاً ممکن نیست. حال با این مقدمات و تفاسیر آزادی در انجام کار مورد نظر و دلخواه افراد، اظهار من‌الشمس می‌نماید. لذا واضح و مبرهن است که طبع و سرشت آدمی هر کار و خدمتی را که برخلاف میل و اراده‌اش باشد، بر نمی‌تابد. موضوعی که عقل به آن صحه گذاشته و تاریخ نیز گواه آن می‌باشد. حقوق مربوط به کار و آزاد بودن افراد در این زمینه در قالب حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در قرون معاصر مطرح و به‌طور فزاینده‌ای مورد تأکید اسناد بین‌المللی اعم از مقاله‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و امثال آنها قرار گرفتند. لذا امروزه اجبار افراد به کار معین اصولاً مردود بوده و بی‌شک توهین به کرامت و عزت نفس آنها می‌باشد؛ اما همان‌گونه که اشاره نمودیم برخی بیمارگونه به سودجویی و تجاوز به محدوده قانونی و طبیعی دیگران (تمایل) دارند و می‌بایست با پیش‌بینی راهکارهای

مناسب و با ضمانت‌اجراهای قابل قبول از این گونه تضییع حقوق جلوگیری و در صورت وقوع آن برخورد نمود. از این‌روست که در عرصه بین‌الملل و در حقوق داخلی کشورها، ممنوعیت کار اجباری از اصول مسلم حقوق می‌باشد و کشورها ملزمند، اقدامات لازم را در این زمینه مراعات نمایند. در این‌راستا در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، ضمانت‌اجرای منع کار اجباری در ماده ۱۷۲ قانون کار، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و ماده ۴ قانون مبارزه با قاچاق انسان مقرر شده است. از طرف دیگر مواد ۲۲ الی ۳۴ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار نیز برای تضمین منع کار اجباری در کشورهای عضو، مقرراتی را پیش‌بینی نموده است.^{۱۲}

۲- استثنائات منع کار اجباری

همان‌طور که اشاره شد، آزادی کار و منع اجبار افراد به کاری معین جزو اصول اولیه حقوق اجتماعی افراد بوده است. لذا هرگونه حمله به کرامت و ارزش انسانی بشر در اسناد حقوق بشری منع گردیده است؛ بنابراین هیچ‌گونه جبر و تحمیلی بر افراد برای انجام کاری معین روا نیست. با این‌وجود باید گفت، بنابر نظریه همبستگی اجتماعی،^{۱۳} با تکیه بر بُعد اجتماعی انسان، فرض بر این است که افراد جامعه، در زندگی اجتماعی به‌مثابه جزایری نیستند که بدون ارتباط و وابستگی با یکدیگر و سایرین به حیات خود ادامه دهند. بلکه آنها مدام در یک وابستگی درونی متقابل به‌سر می‌برند که در آن منافع، سود و زیان آنها بی‌ارتباط با هم نبوده و همه باید با هم موردتوجه قرار گرفته شود. بر این اساس، افراد نه‌تنها باید منافع خود را موردتوجه قرار دهند، بلکه باید نسبت به سود و زیان سایر افراد جامعه نیز بی‌تفاوت نباشد. این امر در یک جامعه دارای دولت که افراد آن جامعه را نمایندگی می‌کند، به‌عهد آن دولت است که از طریق تصویب قوانین، نسبت به انجام این مهم مبادرت ورزد.^{۱۴} در این‌راستا امروزه در قوانین داخلی و حتی عهدنامه‌های بین‌المللی با اذعان بر ممنوعیت کار اجباری، بنا به دلایل منطقی و متقن مواردی چون خدمت وظیفه عمومی، تعهدات مدنی، کار اجباری

۱۲. کمال‌الدین هریسی‌نژاد، فرزاد جنگجوی و اکبر لطفی عزیز، «مروری بر تضمینات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و اساسنامه سازمان بین‌المللی کار»، *مجله کار و جامعه* ۷۵ (زمستان ۱۳۹۳)، ۲.

۱۳. Social Solidarity.

۱۴. فضل‌الله موسوی و حسن لطفی، «پدرمآبی دولت در قراردادهای کار»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی* ۶۱ (۱۳۹۲)، ۱۹۳.

به‌عنوان محکومیت در دادگاه صالح، موارد اضطراری و خدمات عمومی جزئی، از مصادیق کار اجباری مستثنا شده‌اند؛ این بدان معناست که کار اجباری در این موارد لازم بوده و هرچند مسئله‌ای مغایر با قوانین و مقررات حقوق بشری است، اما چون در آن سود و زیان سایر افراد جامعه در میان است، جایز و قانونی می‌باشد.

لازم به ذکر است، استثنائات منع کار اجباری، «فقط برای مدتی موقت است، آن هم به دو شرط؛ یکی آنکه کار اجباری منحصراً برای مقاصد عمومی باشد و دیگر آنکه جنبه استثنائی داشته باشد.»^{۱۵}

۱- مقاصد عمومی (خدمات عمومی):^{۱۶} این اصطلاح ترکیبی از دو کلمه خدمت و عموم

است. خدمت در لغت به‌معنای وظیفه، کار، تعهد و عموم به‌معنای همه، تمام و جامعه به‌کار برده شده است؛ بنابراین ترکیب خدمات عمومی یا مقاصد عمومی به‌معنای کار و وظیفه‌ای است که به نفع تمامی اعضای جامعه صورت می‌گیرد.^{۱۷} در حقوق اداری نیز منظور از خدمات عمومی، خدماتی است که بدون قصد انتفاع و به‌منظور برآوردن نیازمندی‌های همگانی توسط سازمان‌های دولتی به انجام می‌رسند از قبیل خدمات آموزشی، بهداشتی و ...^{۱۸} با این تفاسیر روشن است که استفاده شخصی از افراد توسط مقامات رسمی را نمی‌توان خدمت عمومی به‌ازای محکومیت و یا مجازات محسوب نمود، بلکه این کار عین کار اجباری می‌باشد.

امروزه مؤسسات عمومی عهده‌دار ارائه خدمات عمومی‌اند و احتیاجات عامه را برآورده می‌سازند. ماده ۳ قانون محاسبات عمومی، هر واحد سازمانی که به‌موجب قانون ایجاد و به‌وسیله دولت اداره می‌شود را مؤسسه عمومی نامیده است که ممکن است واحد انتفاعی یا غیرانتفاعی باشد. شرکت‌های آب، برق، گاز و تلفن، انتفاعی و سازمان‌هایی نظیر بهزیستی، صداوسیما، راهنمایی و رانندگی و زندان، غیرانتفاعی محسوب می‌گردند. ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ نیز کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی را تحت عنوان دستگاه اجرایی قلمداد نموده است.

۱۵. حسینقلی حسینی‌نژاد، حقوق کیفری بین‌المللی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)، چاپ اول، ۲۷۰.

۱۶. Public Work.

۱۷. ابوالفتح خالقی، «کار به‌جای زندان»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی ۳ (تابستان ۱۳۸۶)، ۱۲۷.

۱۸. رضا موسی‌زاده، حقوق اداری (۱-۲) (تهران: نشر میزان - نشر دادگستر، ۱۳۷۸)، چاپ دوم، ۵۳.

آنچه اهمیت دارد توجه به این نکته است که خدمات ارائه‌شده از طریق مؤسسات و نهادهای دولتی یا غیردولتی به نفع جامعه باشد. از این رو به کارگیری برخی افراد تحت عناوینی در این‌گونه مشاغل مصداق کار اجباری نخواهد بود. به‌طور مثال می‌توان واحدهای زیر را در کشورمان در زمره مؤسسات عمومی که موردنظرمان می‌باشد، محسوب نمود: شهرداری‌ها، بیمارستان‌های دولتی، مراکز درمانی خیریه، سازمان حفاظت محیط زیست، بهزیستی، سازمان اتوبوس‌رانی، اورژانس، هلال احمر، آتش‌نشانی، جنگل‌بانی، گمرکات، زندان‌ها، راهداری، ورزشگاه‌ها، مراکز نگهداری از سالمندان یا کودکان بی‌سرپرست و ...^{۱۹}

۲- استثنائی: گنجاندن این شرط ناشی از آینده‌نگری تدوین‌کنندگان مقوله‌نامه بوده است؛ زیرا آنها این موضوع را درک نموده بودند که اگر این شرط در نظر گرفته نشود ممکن است توسط دول خودکامه و استبدادی حتی پس از برطرف شدن شرایط اعمال کار اجباری از قبیل کار اجباری در شرایط اضطراری و امثالهم از افراد برای زمان‌های طولانی بیگاری کشیده شود. (موضوعی که امروزه در برخی از کشورهای درحال توسعه به‌وفور دیده می‌شود. بدین‌صورت که به بهانه وضعیت اضطراری و امثال آن از افراد در راه‌سازی و سایر خدمات استفاده می‌شود). در نتیجه مقرر گردید که مجوز اعمال کار اجباری موقتی باشد.

۲-۱- خدمت وظیفه عمومی^{۲۰}

از دیرباز امنیت عمومی کشورها و جوامع همواره موردتوجه بوده و با هرگونه بی‌نظمی و اختلالگری که برهم زنده امنیت بوده به شدیدترین نحو ممکن پاسخ داده شده است. اصولاً این خصیصه در طبع آدمیان نیز نهفته است و افراد در برابر هر چیزی که آسایش خاطر، فراغت خیال و آزادی آنها را محدود نماید، واکنش نشان می‌دهند. امنیت و تمامیت ارضی که معمولاً با هم به کار برده می‌شوند از چنان درجه اهمیتی برخوردارند که تجاوز حتی به‌قدر بسیار ناچیز به خاک کشور دیگر با پاسخی کوبنده جواب داده می‌شود. (برای مثال عبور از مرز به‌صورت غیرقانونی چه‌بسا می‌تواند به قیمت جان فرد متخلف تمام شود و یا عبور هواپیمایی به قلمرو هوایی کشور دیگر بدون اجازه قبلی عواقب غیرمنتظره‌ای به دنبال خواهد داشت.)

۱۹. خالقی، پیشین، ۱۲۸.

امروزه بخش وسیعی از تأمین امنیت جوامع برعهده نیروهای انتظامی و نظامی می‌باشد. به دلیل آنکه تأمین نیروهای انتظامی و نظامی برای حفظ امنیت به صورت نیروی کادر و رسمی عملاً غیرممکن و هزینه آن برای دولت‌ها سرسام‌آور است، لذا از زمان‌های دور همه افراد جوامع ملزم به خدمت نظامی برای کشور به گونه‌های مختلف بوده‌اند تا اینکه امروزه شاهد آن هستیم که در اکثر کشورهای جهان این خدمت نظامی تقریباً شکل و شرایط واحدی دارد؛ بنابراین بر اساس مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها خدمت وظیفه عمومی از استثنائات کار اجباری محسوب می‌گردد.

قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۰۸/۰۸ خدمت را وظیفه تمام افراد ذکور کشور قلمداد نموده است. بر اساس ماده ۱ این قانون: «دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می‌باشند و هیچ فرد مشمول خدمت وظیفه عمومی را جز در موارد مصرحه در این قانون نمی‌توان از خدمت معاف کرد.»^{۲۱}

در بند ۲ قسمت الف ماده ۱ مقاوله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار نیز هر کار یا خدمتی که طبق قانون نظام وظیفه عمومی به شخصی محول گردد و صرفاً جنبه نظامی داشته باشد به‌عنوان یکی از استثنائات کار اجباری قلمداد شده است. هدف و دامنه این استثنا که در پیش‌نویس کنفرانس نیز توافق کلی برای درج این مطلب در متن نهایی کسب شده بود، ضرورت دفاع ملی بود. عده‌ای از مسئولین پیش‌نویس مقاوله‌نامه بر این عقیده بودند که خدمت وظیفه نیز مانند مشارکت اجباری برای خدمات عمومی جزئی است که با این استدلال خدمت وظیفه می‌توانست جزو استثنائات قرار نگیرد؛ زیرا مشارکت در آثار عمومی جزء اشکال اجباری محسوب گردیده بود.

در اینجا قید «صرفاً نظامی» به‌طور خاص برای جلوگیری از فراخوان سربازان برای کارهای عمومی باهدف می‌باشد. به‌تبع آن در ماده ۱ بند ب مقاوله‌نامه شماره ۱۰۵ که استفاده از کار اجباری را به‌عنوان یک روش برای بسیج و استفاده از نیروی کار به‌منظور توسعه اقتصادی ممنوع اعلام کرده است. با این حال تحت شرایط خاص، فعالیت‌های غیرنظامی انجام‌شده در چهارچوب خدمت وظیفه عمومی مقوله‌ای جدا از این استثناست. به‌گونه‌ای که

۲۱. نک: قانون خدمت وظیفه عمومی، روزنامه رسمی، شماره ۱۸۰۵۲۶، ۱۳۹۰/۰۹/۲۴.

در شرایط اضطراری نیز می‌توان افراد نظامی را در حل بحران‌هایی مانند زلزله، سیل و به‌طور کلی هرگونه بلایای طبیعی بسیج نمود و این موارد به‌هیچ‌وجه با قید صرفاً نظامی بودن منافاتی ندارند و مانند شرایطی است که در مواقع اضطراری موقتاً برای دیگر افراد در نظر گرفته می‌شود.^{۲۲}

البته باید در نظر داشته باشیم که این استثناء شامل حال پرسنل نظامی حرفه‌ای (رسمی) نمی‌شود و در زمان صلح می‌توان مانند سایر مردم عادی این افراد را در کارهای اجباری قانونی مورد استفاده قرار داد. امروزه تمایل کشورها بیشتر بر آن است که در کنار خدمت نظام وظیفه، خدمات ملی دیگری برای جوانان در نظر گرفته شود؛ مانند اعزام جوانان به روستاها و استفاده از دانش و اطلاعاتشان در امور کشاورزی، آبادانی و بهداشت روستاها. این قبیل اقدامات که برای نیل به اهداف مختلف اقتصادی (پیشرفت و توسعه کشور، اشتغال جوانان و جلوگیری از بیکاری ایشان) صورت می‌گیرد، اگر در دوران خاصی از پیشرفت اقتصادی باشد، تاندازه‌های قابل توجیه است، ولی هرگاه به کار گماردن جوانان، بدون رضایت و تمایل ایشان، جنبه موقت و استثنائی خود را از دست بدهد، در آن صورت نمی‌توان گفت مقوله‌نامه‌های شماره ۲۹ و ۱۰۵ رعایت شده است.^{۲۳} بر اساس مواد ۶۶ تا ۷۰ قانون خدمت وظیفه عمومی از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌توان در دستگاه‌های اجرایی (امریه) و یا در آموزش و پرورش با عنوان معلم وظیفه (طرح سرباز معلم) استفاده نمود. گرچه رویه موجود در کشور ما با شرایطی مانند موقتی بودن و اختیار افراد جوان در انتخاب خدمت وظیفه و یا خدمت در روستاها و امثال آن که در سطور بالا ذکر شد تا حدودی متفاوت است، اما نفس و هدف هر دوی آنها تقریباً یکی است و هدف مشارکت دادن جوانان در جهت مصلحت جامعه می‌باشد.

۲-۲- تعهدات مدنی

بند ۲ قسمت ب ماده ۱ مقوله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار، هر کار یا خدمتی که قسمتی از التزامات مدنی عادی شهروندان کشورهای خودمختار را تشکیل می‌دهد را نیز مستثنا نموده است. سه نمونه از «التزامات مدنی عادی» در کنوانسیون به‌طور اختصاصی ذکر و مستثنا شده‌اند. برای مثال، خدمت سربازی اجباری، کار و خدمت به هنگام ضرورت و

۲۲. Report (III) International Labour, op.cit. 22.

۲۳. عزت‌الله عراقی، حقوق کار (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱)، جلد دوم، چاپ اول، ۱۴۶.

«خدمات کوچک همگانی». از دیگر موارد التزامات عادی مدنی شهروندان می‌توان به خدمت اجباری هیئت‌منصفه و وظیفه خدمت به افراد در خطر اشاره کرد. از دیگر انواع تعهدات مدنی می‌توان به تعهد به پرداخت مالیات همکاری اجتماعی و سرشماری و وظیفه برای کمک در انتخابات عمومی اشاره نمود؛ اما می‌باید هرگونه کار فیزیکی و یا فکری که ممکن است برای این مقاصد در نظر گرفته شود از قبیل، مدت زمان خدمات و مشاوره برای جامعه یا محله‌ای که فرد با آن در ارتباط خواهد بود، معلوم باشد.^{۲۴}

سازمان بین‌المللی کار، هرگونه به‌کارگیری افراد کشور توسط دولت به‌منظور تسریع در آهنگ پیشرفت را با تفسیر موسّع از تعهدات مدنی به شکل بسیج عمومی، مردود اعلام کرده است.^{۲۵}

از دیگر مصادیق تعهدات مدنی عبارتند از تعهد به انجام خدمات پزشکی رایگان، خدمات آتش‌نشانی اجباری، تعهدات قانونی تحمیل‌شده بر شرکت‌ها برای بهبود کیفیت کالاها. سازمان بسیج مستضعفین را، البته نه به‌طور کامل، می‌توان مصداقی برای تعهدات مدنی افراد در برابر دولت دانست. به‌نظر محققین دلیل عدم مطابقت کامل تعهداتی که افراد عضو این سازمان با انواع تعهدات در دیگر کشورها دارند این است که عضویت در این سازمان اختیاری است، لذا افراد اجباری در این مورد ندارند، اما صرف عضو شدن تکالیفی برای این افراد ایجاد می‌کند که اعضاء ملزم به انجام آنها هستند. به‌عنوان مثال امروزه در قالب طرح‌هایی با عنوان طرح هجرت و اردوهای جهادی برای خدمت‌رسانی به مناطق محروم و البته به‌صورت داوطلبانه خدماتی را به مناطق مزبور ارائه می‌نمایند.

۲-۳- کار اجباری به‌عنوان محکومیت در دادگاه صالح

اگر بخواهیم به تاریخچه کار زندانیان بنگریم، متوجه خواهیم شد که این نوع کار در زمان باستان نیز وجود داشته است. برای مثال قوانین سومری‌ها و قانون حمورابی حاوی مطالبی بودند که از کار اجباری به‌عنوان مجازات استفاده می‌نمودند. همچنین راه‌ها، قنات و فاضلاب‌ها در بسیاری از جوامع به‌وسیله زندانیان احداث می‌شد. محکومانی که تحت قوانین چین محکوم می‌شدند، مجبور بودند در ساخت دیوار بزرگ چین شرکت کنند. رومیان نیز از

۲۴. Information System on International Labour Standard, op.cit. www.ILO.com.

۲۵. عراقی، حقوق بین‌المللی کار، پیشین، ۱۴۶.

این قاعده مستثنا نبوده‌اند.^{۲۶} اما به کارگیری محکومین به کار اجباری به شکل امروزی به قرن بیستم بازمی‌گردد. در دهه شصت این قرن، دادگاه‌های کیفری در ایالات متحده از جمله دادگاه‌های ایالت آلاباما و کالیفرنیا شروع به به کارگیری محکومین در خدمات عمومی نمودند که به تدریج در سایر نقاط آمریکا و دیگر کشورهای جهان نیز مرسوم گردید.^{۲۷}

فلسفه جایگزینی مجازات کار به جای حبس در گذشته و امروزه تا حدودی متفاوت است. از محکومین در سال‌های دور مانند یک برده، بیگاری کشیده می‌شد و کرامت انسانی آنان پایمال می‌گشت، برعکس؛ امروزه این‌گونه کار اجباری در راستای حفظ شأن و عزت نفس مجرمین غیر خطرناک است. دلایل به کار گماشتن محکومین به شرح ذیل است: اول اینکه، بالا رفتن هزینه‌های نگهداری زندانیان اعم از هزینهٔ ایجاد مکان‌های جدید، هزینه‌های جاری و هزینه‌های خدمات (امروزه بودجه قابل توجهی از قوه قضائیه در این راستا صرف می‌شود)؛ دوم اینکه، به وجود آمدن گسست و خلأ عاطفی در خانواده‌هایی که یکی از اعضای آنها محکوم به حبس می‌گردد؛ سوم اینکه، زندان با دربرداشتن عده کثیری از بزهکاران و دارا بودن اوقات کافی برای یادگیری به‌نوعی مدرسه بزهکاری و انتقال تجربیات خلاف قانون به دیگر افراد است؛ چهارم اینکه، بنا به گفته محقق غربی، آقای کوئیل اندریو: «تصور اینکه گروهی با توسل به زور، رفتار گروهی دیگر را تغییر دهند فرضی خودخواهانه تلقی می‌شود؛ زیرا در این فرضیه اراده آزاد دیگران نادیده گرفته می‌شود.»^{۲۸} و در آخر اینکه به کارگیری محکومین به کار با توجه به اینکه هیچ‌گونه هزینه‌ای برای جوامع ندارد سود سرشاری را برای جوامع به دنبال خواهد داشت و به قول اقتصاددانان معامله دوسر سود می‌باشد.

ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم نماید. در ادامه این ماده که ۱۵ نوع مجازات تکمیلی در نظر گرفته است، الزام به خدمات عمومی (بند د)، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین (بند ز)، الزام به تحصیل (بند ژ) از مصادیق استثنائات کار اجباری محسوب می‌گردد.»^{۲۹}

۲۶. تاج‌زمان دانش، *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸)، چاپ اول، ۳۳۳.

۲۷. خالقی، پیشین، ۱۲۳.

۲۸. همان، ۱۱۹.

۲۹. نک: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، روزنامه رسمی، شماره ۱۹۸۷۳، ۰۳/۰۶/۱۳۹۲.

ماده ۸۴ این قانون محول نمودن خدمات عمومی رایگان را به محکوم در صورت رضایت وی مجاز دانسته است، همچنین در نکته‌سنجی دقیق و ریزبینانه مقرر نموده است که می‌بایست ضوابط و مقررات قانون کار من جمله شرایط کار نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور مراعات شوند. بر اساس این ماده خدمات عمومی رایگان از ۲۷۰ ساعت شروع و تا ۲۱۶۰ ساعت بسته به درجه و نوع جرم امکان خواهد داشت. همچنین قانونگذار به فلسفه وجودی این نوع محکومیت‌ها نیم‌نگاهی داشته و مقرر نموده است که افراد شاغل روزانه به چهار ساعت و افراد غیرشاغل به هشت ساعت کار ملزم خواهند بود و در هر حال ساعات ارائه خدمت نباید مانع امرارمعاش متعارف محکوم گردد. به نظر نگارنده این‌گونه نکته‌سنجی قانونگذار بسی جای امیدواری و بالندگی دارد و حتی به مراتب بالاتر از معیارهای مقرر سازمان بین‌المللی کار در این زمینه است. در فصل دهم قانون مجازات اسلامی که موضوع آن مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان (مجرمینی که در هنگام ارتکاب جرم پانزده تا هیجده سال شمسی دارند) است، تصریح شده که می‌توان آنها را حداکثر به ۷۲۰ ساعت خدمات عمومی رایگان محکوم نمود که البته نبایست ساعات ارائه خدمات عمومی بیش از چهار ساعت در روز باشد^{۳۰} البته همواره می‌بایست این نکته را مدنظر قرار داد که الزام ناشی از اصل قانونی بودن کیفر و قاعده تناسب واکنش اجتماعی با خطای ارتكابی، مقنن را وادار می‌کند تا میزان و مدت زمان اعمال مجازات را به دقت معین نماید. در ایران، بر اساس بند الف ماده ۱۷ لایحه مجازات اجتماعی مصوب ۱۳۸۴/۰۴/۰۸ میزان کار اجباری محکومین از ۴۰ تا ۴۸۰ ساعت متغیر است.^{۳۱}

در بند ۲ قسمت ج ماده ۲ مقاوله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار مقرر شده است: «هر کار و خدمتی که در نتیجه محکومیت در دادگاه‌های صالح به محکومین تحمیل شود به شرط اینکه زیر نظر و تحت مراقبت مقامات عمومی کشور انجام گیرد و به اشخاص ثالث و شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی یا بنگاه‌های خصوصی واگذار نشده باشد؛ از استثناء دیگر کار اجباری است.» این مورد را تدوین‌کنندگان مربوطه با فراغت خیال در مقاوله‌نامه گنجانده‌اند؛ زیرا کاملاً منطقی بوده و خواست هر عقل سلیمی نیز این‌گونه است. این محکومیت یا ممکن است به صورت کار در زندان یا انجام کار اجباری در جامعه باشد. محکومیت در

۳۰. البته بر اساس ماده ۸۸ افرادی که در زمان ارتکاب جرم، نه تا پانزده سال شمسی دارند، طفل یا نوجوانان محسوب می‌گردند.

۳۱. معاونت توسعه قوه قضائیه، «لایحه مجازات‌های اجتماعی»، مجله قضاوت ۳۳ (مرداد و شهریور ۱۳۸۴)، ۳۴.

دادگاه ممکن است به صورت مستقل، کار در بیرون زندان باشد، یا اینکه علاوه بر محکومیت به زندان شامل محکومیت به اعمال شاقه مانند کار اجباری نیز باشد. در بسیاری از کشورها هردو گونه این مجازات‌ها اعمال می‌گردند. در کشورمان مجازات کار اجباری به صورت مجازات انفرادی اعمال نمی‌گردد و در مواردی خاص به عنوان تکمیل بر مجازات اصلی اعمال می‌شود؛ اما با تأکیدات فراوان مسئولین برای دوری از کیفر حبس محوری و اعمال مجازات‌های جایگزین و همچنین مَر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به احتمال بیش از ۹۰ درصد زین‌پس شاهد استفاده قضات از مجازات‌های جایگزین حبس علی‌الخصوص کار اجباری در طیف وسیعی خواهیم بود. گفتنی است که قانونگذار در ماده ۷۰ قانون مذکور مقرر نموده است که همراه با تعیین مجازات جایگزین می‌بایست مجازات اصلی نیز مشخص گردد تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، مجازات حبس اعمال گردد.

۲-۴- موارد اضطراری^{۳۲}

این استثناء که شامل مفهوم اضطرار در شرایط خاصی که فاجعه رخ داده و یا حالتی است که امکان وقوع فاجعه وجود دارد. حالت اضطرار حالتی است که به علت یک واقعه ناشی از طبیعت یا انسان در افراد به وجود می‌آید و افراد در معرض خطر، خویشتن را مجبور به ارتکاب فعل یا ترک فعلی می‌بینند که در مواقع عادی آن فعل یا ترک فعل جرم محسوب می‌شود.^{۳۳} حالت مزبور ممکن است، منجر به، به خطر افتادن رفاه مردم شود. در بند آخر ماده ۱ مقاله‌نامه مشخص گردیده: «هر کار و خدمتی که به حکم اجبار (فورس‌ماژور) تحمیل گردد، مثلاً هنگام جنگ یا مواقع بروز و احتمال بروز آفات و پیشامدهای ناگوار از قبیل آتش‌سوزی، سیل، قحطی، زلزله و شیوع امراض مسری بین مردم یا هجوم حیوانات، حشرات موذی یا انگل‌های نباتی مضر و به‌طور کلی هرگاه شرایط عادی زندگانی عمومی یا زندگی قسمتی از سکنه یک کشور دگرگون شده و در معرض مخاطره قرار گرفته باشد.» اما مواردی که در این بند وجود دارد جنبه تمثیلی داشته و به عنوان مثال ذکر شده و چه بسا موارد دیگری نیز به عنوان وضعیت اضطراری محسوب شوند که مقاله‌نامه به آنها اشاره نکرده باشد. همان‌طور که در ادامه جمله ذکر می‌کند، هر شرایطی که زندگانی عادی را دگرگون نماید، حالت اضطرار

۳۲. Emergencies.

۳۳. محمدجعفر حبیب‌زاده، «اضطرار (ضرورت)»، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری* ۱۵ و ۱۶ (بهار و تابستان ۱۳۷۵)، ۵۶.

محسوب می‌شود.^{۳۴} به عبارت دیگر منظور از وضعیت اضطراری، شرایط فوق‌العاده‌ای است که دولتی برای ادامه حیات سیاسی خود و نیز برای مقابله با برخی شرایط استثنائی و غیرمترقبه مجبور به اعمال برخی محدودیت‌ها می‌گردد. این حالت ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد.^{۳۵} «در مفهوم اضطرار اجباری نهفته است که انسان را تسلیم وضعیت می‌کند.»^{۳۶}

در ایران با توجه به اینکه از دیرباز حس مردم‌دوستی در هر فرد ایرانی وجود داشته است، لذا در موارد اضطراری بدون اینکه افراد اجبار به این کار شوند، به صورت خودجوش اقدامات لازم را انجام می‌دهند. علاوه بر این امروزه بسیج مستضعفین که متشکل از داوطلبین مردمی است، در صورت بروز مشکلات با سازمان‌دهی مناسب، اقدامات لازم را در مواقع ضروری انجام می‌دهند. بر اساس اصل ۱۴۷ قانون اساسی نیز «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی بهره‌گیرد...» و حالت اضطراری را می‌توان یکی از مصادیق این اصل تلقی نمود. کمک‌رسانی و امداد به زلزله‌زدگان و سیل‌زدگان و همچنین معاضدت با دستگاه‌های مربوطه برای بازسازی مناطق در حالت بحران می‌تواند از اهداف بارز این اصل باشد؛ اما اختصاص نیروی ارتش به این امور باید به گونه‌ای باشد که بر اساس ادامه اصل مذکور به آمادگی رزمی ارتش آسیبی نرساند.^{۳۷}

در اجرای اصل مذکور، ماده ۷ قانون ارتش، در اختیار قرار دادن افراد و تجهیزات نظامی در زمان صلح را، به درخواست دولت، یکی از وظایف و مأموریت‌های ارتش مقرر داشته است. نکته جالب توجه اینجاست که قانون اساسی فقط ارتش را به در اختیار قرار دادن افراد و تجهیزات به دولت ملزم نموده است. در حالی که سپاه پاسداران نیز با داشتن تجهیزات فراوان، همان موقعیت ارتش را داراست. گرچه ماده ۱۰ اساسنامه سپاه، انجام خدمات امدادی،

۳۴. Report (III) International Labour, op.cit. 31

۳۵. یوسف مولایی، «حقوق کار در چشم‌انداز حق به توسعه»، مجموعه مقالات همایش دولت و تضمینات حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱ (۱۳۹۰)، ۵۴.

۳۶. قاعده اضطرار (ضرورت) در متون اسلامی تعریف و شرایط خاصی دارد که به کرات در کتب حقوقی و اصولیون درباره آن سخن‌ها رانده شده است؛ اما در اینجا اشاره به همین نکات کافی است که در قرآن آیه ۱۷۳ سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳ سوره مبارکه مائده، آیات ۱۱۹ و ۱۴۵ سوره مبارکه انعام و آیه ۱۰۶ سوره مبارکه نحل قاعده اضطرار را بیان نموده‌اند. همچنین قسمتی از حدیث رفع از پیامبر اکرم (ص) در رابطه با این موضوع می‌باشد.

۳۷. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، جلد دوم، چاپ هیجدهم، ۳۶۱-۳۶۲.

آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی را به درخواست دولت در زمان صلح به‌عنوان یکی از مأموریت‌های سپاه پیش‌بینی نموده است.

ماده ۱۹ قانون مزبور درباره حالت اضطراری و بروز قحطی، اجبار افراد ناحیه به کاشت محصولات موردنظر مقامات صلاحیت‌دار را جایز دانسته است؛ اما باید اصولی نیز رعایت گردد. براین‌اساس در ماده مزبور مقرر گردیده است: «۱- مقامات صلاحیت‌دار فقط در صورتی می‌توانند اهالی یک ناحیه را به کشت و زرع اجباری وادار سازند که بیم کاهش محصول و بروز قحطی مشهود باشد و در هر حال باید غلات یا محصولات دیگری که از این طریق به دست می‌آید، به خود افراد یا دسته‌جاتی که به کشت آن مبادرت ورزیده‌اند، واگذار شود.

۲- در مواردی که طبق قانون یا عرف و عادت محلی کشت و زرع به‌طور دسته‌جمعی و موافق اصول اشتراکی صورت می‌گیرد و محصولات یا سود حاصل‌شده به اجتماعات مربوطه تعلق می‌گیرد، مقررات این ماده نباید به‌طوری تعبیر و تفسیر شود که افراد اجتماعات مزبور را به انجام وظایفی که از این بابت به عهده دارند، معاف نماید.»^{۳۸}

ماده ۱ قانون مزبور تشخیص مدت زمان بقای حالت اضطرار را با بررسی وضعیت و بنا به نظر مسئولین معین نموده است. در برخی از کشورها از این استثناء در طیف گسترده‌تری استفاده شده، به‌گونه‌ای که افراد مجبور به مشارکت در آثار عمومی می‌شوند. برای مثال، مردم مناطقی را که فاقد جاده‌های مناسب هستند، تحت عنوان حالت اضطراری مجبور به راه‌سازی و پل‌سازی و مواردی از این قبیل می‌نمایند. از این‌رو، برای اینکه از اصطلاح حالت اضطراری در دامنه وسیع‌تر و خارج از محدوده مقوله‌نامه استفاده نگردد، سازمان کشورها را موظف نموده است که فقط در مواقعی که حالت فوق‌العاده (به‌معنای «چیزی که به‌شدت موردنیاز است») برقرار باشد، استفاده گردد. در ضمن قوای داخلی نیز ملزم به رعایت این حدود می‌باشند.

۲-۵- خدمات عمومی جزئی^{۳۹}

پیشتر تعریف کاملی از خدمات عمومی ارائه گردید، اما نکته قابل‌ذکر این است که خدمات عمومی جزئی که مدنظر تهیه‌کنندگان مقوله‌نامه بوده‌اند، خدماتی است که در سطح منطقه‌ای کوچک ارائه می‌گردند. تعریفی که شاید با دنیای امروزی تناسب و هم‌خوانی

۳۸. سپهری و همکاران، پیشین، ۱۵.

۳۹. Public Service Component.

چندانی نداشته باشد و به عبارت دیگر آن چنان که باید و شاید در جامعه امروزی ملموس نباشد. این مدعا با توجه به شرایطی که در عبارات آتی بیان می‌گردد، قابل دفاع است. منظور از خدمات عمومی جزئی، تعمیر و نگهداری و در موارد استثنائی، ساخت و ساز برخی از ساختمان‌ها که به خودی خود به منظور بهبود شرایط اجتماعی جامعه می‌باشد، است. (به طور مثال یک مدرسه کوچک، مرکز مشاوره پزشکی، و اتاق درمان)

خدمات باید در جهت «منافع مستقیم جامعه» و نه برای یک گروه بزرگ مانند شهر باشد. منظور از اعضای جامعه (جامعه‌ای که به انجام خدمات واداشته می‌شوند) و یا نماینده مستقیم به عنوان مثال شورای روستا، باید انجام خدمات را لازم دانسته و اعضاء را در این رابطه مورد مشورت قرار دهند. خدمات جزئی باید بر اشتغال عادی مردم تجاوز نکرده و همچنین ممکن است در ارتباط با پاکیزگی روستا، تعمیر و نگهداری راه‌های فرعی و صحرایی، آب‌شخورها، گورستان‌ها، قنات‌ها و جوی آب باشد. علاوه بر وسعت این کارها باید مدت زمان آنها هم محدود بوده و به گونه‌ای باشد که این خدمات را واقعاً «جزئی» نامید.^{۴۰}

در بند ۲ قسمت «ه» ماده ۱ مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار تصریح شده که خدمات جزئی و عمومی اجتماعی که به نفع مستقیم یک جامعه بوده و از طرف خود اعضاء و افراد آن جامعه بایستی انجام پذیرد تا بتوان این قبیل عملیات را جزء وظایف آن جامعه دانست، مشروط به این است که خود اعضای آن جامعه و یا لاقول نمایندگان مستقیم ایشان حق داشته باشند درباره لزوم خدمات مزبور تصمیم لازم را اتخاذ نمایند.

در موارد بسیاری از مواد این مقاله‌نامه آمده است که مأمورین محلی حتی در شرایطی هم که وظیفه آنها ایجاب کند که اهالی قلمرو مأموریت خود را به کار و فعالیت تشویق کنند، نمی‌بایست اهالی را به طور دسته‌جمعی یا انفرادی تحت فشار قرار دهند و افراد را به کار اجباری برای اشخاص حقوقی یا شرکتهای خصوصی ملزم نمایند.

ماده ۱۰ و ۱۱ مقاله‌نامه درباره شرایط به کارگیری افراد در خدمات جزئی، مقرراتی را وضع نموده است که بدان‌ها اشاره می‌نماییم. در بند ۲ ماده ۱۰ آورده است:

«الف) از کار مرجوعه باید نفع مستقیم و عمده‌ای عاید افرادی که آن کار انجام می‌دهند بشود؛

ب) انجام کار فوریت داشته یا لزوم انجام آن در آینده نزدیک محسوس باشد؛

ج) انجام کار باتوجه‌به تعداد، استعداد و قدرت کارگران محلی تحمیل فوق‌العاده بر اهالی آن ناحیه نباشد؛

د) انجام کار یا خدمت مزبور کارگران مربوطه را ناگزیر به دور شدن از محل سکونت عادی خود ننماید؛

ه) کار یا خدمت مرجوعه مطابق شرایط محلی و به‌نحوی باشد که با زندگی اجتماعی و فعالیت کشاورزی اهالی آن ناحیه مناسبت داشته باشد.^{۴۱}

ماده ۱۱ نیز درباره سن و وضعیت نظارت پزشکی مقرر می‌دارد که فقط افراد ذکور و بالغ یعنی مردانی که سن آنها به ظن قوی از ۱۸ سال کمتر و ۴۵ سال بیشتر نباشد، در این امور به‌کار گرفته شوند. همچنین در کلیه موارد ممکنه یک نفر طبیب که از طرف مراجع اداری تعیین می‌شود، بر صحت مزاج کارگر تصدیق نموده و ضمناً گواهی نماید که شخص مزبور استعداد انجام خدمت مرجوعه را دارا می‌باشد. در این ماده همچنین فرهنگیان اعم از معلمین و دانش‌آموزان و همچنین کارمندان اداری از انجام خدمات جزئی معاف شده‌اند. مقوله‌نامه مناسبات زناشویی و روابط خانوادگی را در زمینه کار اجباری محترم شمرده است.^{۴۲}

همچنین درباره حداکثر مدتی که می‌توان یک نفر را به کار اجباری وادار نمود، نباید از شصت روز در هر سال تجاوز نماید و مدت زمانی که صرف رفتن به محل کار و مراجعت می‌گردد جزء ایام مزبور محسوب خواهد شد. در ماده ۱۳، ساعات معمولی کار برای اشخاصی که در حال گذراندن کار اجباری هستند، باید همان ساعاتی باشد که جهت کارگران آزاد تعیین شده است و بابت ساعات اضافه‌کار مطابق نرخ ساعات کار اضافه کارگران آزاد مزد پرداخت خواهد شد.^{۴۳}

بند ۲ ماده ۱۳ مقرر نموده است: «کلیه افرادی که به کار اجباری اشتغال دارند باید لااقل یک روز در هفته تعطیل باشند و روز مزبور باید حتی‌المقدور همان روزی باشد که برحسب عرف و عادت و به‌طور متداول در هر کشور یا ناحیه، روز تعطیل هفتگی شناخته شده است.» اما باید گفت که برای این‌گونه خدمات اجباری، معادلی در قوانین موضوعه کشورمان وجود ندارد.

۴۱. سپهری و همکاران، پیشین، ۹.

۴۲. همان، ۱۰.

۴۳. همان، ۲۵.

لازم به ذکر است، در میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز به تبعیت از مقاله‌نامه شماره ۲۹ مواردی از کارهای اجباری از این ماده مستثنا شده‌اند که البته تا حدودی تکرار همان ماده ۲ مقاله‌نامه فوق‌الذکر می‌باشد. طبق بند ۳ ماده ۸، هیچ‌کس را نمی‌توان به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نمود ولی بلافاصله بعد از این عبارت در بند ب مقرر می‌شود که در کشورهایی که طبق قوانین آن کشورها بعضی از جنایات با حکم دادگاه صالح قابل مجازات با اعمال شاقه یا کار اجباری هستند، از این ماده مستثنا می‌باشند. در ادامه این ماده کار اجباری و اعمال شاقه را قابل تسری به موارد ذیل نمی‌داند:

«اول - هرگونه کار یا خدمات ذکر نشده در شق «ب» که متعارفاً به کسی که به‌موجب یک تصمیم قضایی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد، تکلیف می‌گردد؛

دوم - هرگونه خدمت نظامی در کشورهایی که امتناع از خدمت وظیفه به سبب محظورات وجدانی به رسمیت شناخته شده است و هرگونه خدمت ملی که به‌موجب قانون به امتناع‌کنندگان وجدانی تکلیف می‌شود؛

سوم - هرگونه خدمتی که در موارد قوه قهریه (فورس‌ماژور) یا بلایای که حیات یا رفاه جامعه را تهدید می‌کند، تکلیف می‌شود؛

چهارم - هر کار یا خدمتی که جزئی از الزامات مدنی (اجتماعی) متعارف باشد.^{۴۴}

نتیجه

مطابق اصل «حق انتخاب آزادانه شغل» که به‌عنوان یکی از اجزای حق اشتغال معرفی شده است، هر فرد حق دارد شغلی را داشته باشد که آن را آزادانه انتخاب و یا قبول کرده باشد. نتیجه این اصل منع کار اجباری (بهره‌کشی) است که برای متخلف از آن تضمیناتی در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی در نظر گرفته شده است؛ اما با این وجود در مواردی چون خدمت وظیفه عمومی، تعهدات مدنی، محکومیت در دادگاه صالح، موارد اضطراری و خدمات عمومی جزئی؛ کار اجباری کاملاً واجب و لازم بوده و مسئله‌ای کاملاً منطبق با قوانین و مقررات حقوق بشری می‌باشد. خدمت وظیفه عمومی و محکومیت در دادگاه و کار اجباری در مواقع اضطراری مورد استفاده در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز از این

۴۴. هوشنگ ناصرزاده، *اعلامیه‌های حقوق بشر* (تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد، ۱۳۷۲)، چاپ

قاعده مستثنا نبوده و از سالیان دور خدمت وظیفه عمومی را به‌عنوان وظیفه افراد ذکور قلمداد نموده و از دیرباز با افرادی که با این سیاست مخالفت و از آن امتناع نموده‌اند، برخورد کرده است؛ اما در سالیان اخیر و پس از اثبات این موضوع که کیفر حبس بازده تربیتی و صرفه اقتصادی ندارد روی به مجازات‌های جایگزین حبس آورده است که یکی از این جایگزین‌های به‌جا و دارای آتیه، کار اجباری و خدمات عمومی می‌باشد. از آن روی که مردم کشورمان ذاتاً نوع‌دوست و وظیفه‌شناس بوده‌اند، لذا تا جایی که نگارندگان بررسی نموده‌اند قانون یا ماده خاص و صریحی درباره به‌کارگیری مردم در مواقع اضطراری وجود ندارد؛ اما برخی از ارگان‌ها از قبیل ارتش و سپاه بر اساس اصل قانون اساسی یا تصریح در اساسنامه ملزم به امدادسانی در مواقع لازم شده‌اند که در عمل نیز شاهد این امر بوده‌ایم. هرچند موارد یادشده تا حدودی آزادی افراد را محدود می‌نمایند اما به‌نوبه خود لازمه جوامع انسانی می‌باشند. مسئله‌ای که در استثنائات منع کار اجباری ممکن است رخ دهد این بوده که با توجه به کلی بودن این موارد، احتمال سوءاستفاده دولت‌ها از این موارد برای نیل به مقاصد خود بسیار است. به‌عنوان مثال دولت‌ها در سوءاستفاده از حالت اضطرار می‌توانند علی‌رغم برطرف شدن حالت اضطرار، افراد را به کارهای اجباری مختص زمان اضطرار ملزم نمایند.

همان‌گونه که در متن تحقیق نیز بدان اشاره شد، مقوله استثنائات کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و مقوله‌نامه سازمان بین‌المللی کار نه تنها متفاوت نمی‌باشند بلکه در مواردی قوانین داخلی ما رشد نسبتاً قابل‌قبولی داشته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد برخی کاستی‌ها وجود دارد که البته قابل‌جبران هستند. به‌عنوان نمونه در کشورمان خدمت وظیفه عمومی مخصوص آقایان است و مستثنا شدن بانوان از این مورد جای بحث دارد. دیگر اینکه کار اجباری به‌عنوان محکومیت در دادگاه صالح بایستی گسترش یافته و مانند گذشته موردی توجهی واقع نگردد. در زمینه کارهای جزئی و خدمات عمومی اصولاً سازوکار خاصی وجود ندارد؛ لذا بایستی توسط قوانین و آیین‌نامه‌های خاص سروسامان داده شوند؛ زیرا این نوع کار اجباری در محیط‌های کوچک علی‌الخصوص روستاها می‌تواند در عمران و آبادی این محیط‌ها مثرالثر باشد. (ضمن عدم غفلت از بحث آزادی کار و مقررات استثنائات کار اجباری مانند موقتی بودن و ...)

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اساسنامه سازمان بین‌المللی کار.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. «اضطرار (ضرورت)». *مجله قضایی و حقوقی دادگستری* ۱۵ و ۱۶ (بهار و تابستان ۱۳۷۵): ۴۵-۲۲.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی. *حقوق کیفری بین‌المللی*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
- خالقی، ابوالفتح. «کار به‌جای زندان». *فصلنامه حقوق و علوم سیاسی* ۳ (تابستان ۱۳۸۶): ۱۱۵-۱۳۷.
- دانش، تاج‌زمان. *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- سپهری، محمدرضا و همکاران. *مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار*. چاپ اول. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳.
- عبادی، شیرین. *تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران*. چاپ اول. تهران: روشنگران، ۱۳۷۳.
- عراقی، عزت‌الله. *حقوق بین‌المللی کار*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- عراقی، عزت‌الله. *حقوق کار*. جلد اول. چاپ هفتم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- عراقی، عزت‌الله. *حقوق کار*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸.
- قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۹۰.
- قانون کار مصوب ۱۳۶۸.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۵۲.
- معاونت توسعه قوه قضائیه. «لایحه مجازات‌های اجتماعی». *مجله قضاوت* ۳۳ (مرداد و شهریور ۱۳۸۴): ۳۴-۳۰.
- مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار.
- موسوی، فضل‌الله و حسن لطفی. «پدرمآبی دولت در قراردادهای کار». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی* ۶۱ (۱۳۹۲): ۲۱۱-۱۹۰.
- موسوی‌زاده، رضا. *حقوق اداری (۱-۲)*. چاپ دوم. تهران: نشر میزان - نشر دادگستر، ۱۳۷۸.
- مولایی، یوسف. «حقوق کار در چشم‌انداز حق به توسعه». *مجموعه مقالات همایش دولت و تضمینات حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی* ۱ (۱۳۹۰): ۸-۳۱.
- ناصرزاده، هوشنگ. *اعلامیه‌های حقوق بشر*. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد، ۱۳۷۲.

هاشمی، سید محمد. *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم. چاپ هیجدهم. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.

هاشمی، سید محمد. «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». در *مجموعه مقالات همایش دولت و تضمینات حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، سید جواد فراهانی، شکیبا کوچک‌پور، ۱۶۵-۱۴۲. ۱۳۹۰.

هریسی‌نژاد، کمال‌الدین، اکبر لطفی عزیز و فرزاد جنگجوی. «مروری بر تضمینات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و اساسنامه سازمان بین‌المللی کار». *مجله کار و جامعه* ۷۵ (زمستان ۱۳۹۳): ۶۵-۵۶.

ب) منابع انگلیسی

Goycelyn, M. Pollock. *Prisons Today and Tomarrow*. Portland: Oxford University Press, 2012.

ILO. *Combaing Forced Labour, a Handbook for Employers and Business, Special Action Programme to Combat Forced Labour*. Geneva: Child Labour, 2008, no 3. (Guiding Principles for Information System on International Labour Standard, International Labour Organization. Last Accesssed 2013/05/15. www.ILO.com).

Report (III) International Labour. "Eradication of Forced Labour." International Labour Office Geneva, 2007.



Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 1

2019-1

- **A Postmodern Critique of Legal Positivism in International Law**
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh - Dr. Mojtaba Ansarian
- **Interpretation of the UN Security Council Resolutions**
Yaser Salarian - Mahdi Khalili Torghabe
- **Exceptions to the Prohibition of Forced Labor in Iran's Current Laws and ILO Conventions No. 29**
Dr. Mohammad Mazhari - Farzad Jangjooi (Kharata) - Akbar Lotfi Aziz
- **Specific Obligations of Telecommunication Services in the World Trade Organization**
Zahra Moshref Javadi
- **Reasoning Requirement of Arbitration Awards in International Investment Disputes Settlement**
Sepehr Hasankhanpour - Amirhosein Haghighi
- **Criminal Policy on Direct Tax Law Emphasizing the Amendment Law on Direct Tax Law**
Dr. Aboulhasan Shakeri - Atefeh Sheikheslami
- **Combating Smuggling of Goods in the Law on Combating Trafficking in Goods and Currency Approved 2013**
Mostafa Hasan Raeisi - Reyhaneh Khalili
- **The Effect of Personality in the Contracts in Iranian and English Laws and Judicial Precedent**
Fatemeh Norouzi - Dr. Mahdi Ashouri - Dr. Delavar Baradaran
- **Situation of Lawyer at the Preliminary Investigation Phase**
Dr. Seyyed Ebrahim Ghodsi - Meisam Gholamy - Amin Maleki
- **Sovereignty of the Wills and its Advent in the Rules of Conflict of Laws in the Iranian and Chinese Legal Systems**
Vahid Yeganeh - Rouholamin Hojjati Kermani
- **Smart Contracts: Legal Agreements for the Block Chain**
Author: Reggie O'Shields, Translators: Mahdi Naser - Dr. Hossein Sadeghi

